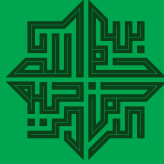


۷



# رَدِّیَه

قیام‌ها و حکومت‌های پیش از ظهور

مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی شبهات  
(خوزه‌های علمیه)

شبهه‌شناس

گفت‌وگو ساز و پاسخ‌گویی

ضمیمه ماهنامه شبهات

shobhe.pasokh.org



# فهرست

۵ مقدمه

۷ چکیده

۹ تبیین شبهه

۱۰ پاسخ شبهه

۱۱ اشکال به عمومیت این روایات

۳۵ جمع بندی

۳۷ منابع



# مقدمه

موضوع قیام‌ها و انقلاب‌های قبل از ظهور امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى وَرَحْمَةُ الرَّحْمَةِ همواره مورد بحث و بررسی بوده است و از این رهگذر برخی با استناد به روایاتی که هر نوع قیام و حکومتی قبل از ظهور را مردود دانسته است و فهم غلط از آن، انقلاب اسلامی ایران را مشروع نمی‌دانند. از این رو بر آن شدیم تا در این ضمیمه با عنوان «قیام‌ها و حکومت‌های پیش از ظهور»، این مساله را به نحوی شایسته مورد بررسی قرار داده و پاسخی مناسب تهیه نماییم.

"ردیه" پاسخی به شبهات بنیادین، اساسی و پایه‌ای است؛ شبهاتی که سبب ایجاد شک و تردید در مبانی و بنیادهای اعتقادی، باورهای مهم و تأثیرگذار دینی شده و ذهن و عاطفه مخاطبان را با چالش روبرو می‌کند.

بر خود لازم می‌دانیم از زحمات آقایان، حجت  
الاسلام محمدرضا فوادیان و دکتر علی مجتبی زاده در  
نگارش و بازبینی این اثر تشکر نماییم.

# چکیده

برخی با استناد به روایاتی که هر نوع قیام و برافراشتن پرچم (کنایه از تشکیل حکومت) قبل از ظهور را مردود دانسته و صاحب آن طاغوت شمرده شده است، نهضت امام خمینی رضوان الله علیه و انقلاب اسلامی را زیر سؤال برده و مشروع نمی‌دانند. در پاسخ به این شبهه با بررسی این روایات روشن می‌شود که عمومیت این روایات با اصول قطعی اسلام و اصل جهاد و امر به معروف و نهی از منکر مخالف بوده و با قیام‌های مورد تأیید ائمه اطهار علیهم السلام مانند قیام مختار و زید و تمجید برخی از قیام‌های قبل از ظهور و اصل عقلی و عقلایی ضرورت تشکیل حکومت تعارض دارد و از این جهت قابل استناد نبوده و یا باید این روایات را به دلایل ذکر شده کنار گذاشت و یا آنکه به قرینه روایاتی که برخی قیام‌ها در آن مورد تأیید ائمه اطهار علیهم السلام قرار گرفته است، این روایات را حمل بر قیام‌هایی کرد که به داعیه

مهدویت انجام گرفته و یا دارای اهداف صحیح نبوده و  
مصدق طاغوت هستند.

### شبّهات ذیل شبّه اصلی:

رفتارگزینشی با روایات مربوطه

غیرمشروع بودن انقلاب اسلامی ایران

بی‌اعتنایی به روایات ناهیه جهت توجیه انقلاب

اسلامی ایران



# تبيين شبهه

در برخی روایات هر نوع قیام و برافراشتن پرچم (کنایه از تشکیل حکومت) قبل از ظهور مورد نهی قرار گرفته و صاحب آن را طاغوت شمرده است. به عنوان نمونه: امام محمد باقر علیه السلام می فرماید: «كُلُّ رَايَةٍ تُرْفَعُ قَبْلَ رَايَةِ الْقَائِمِ صَاحِبِهَا طَاغُوتٌ! هر پرچمی که پیش از پرچم قائم برافراشته گردد صاحب آن طاغوت است.»

در روایت دیگر امام صادق علیه السلام می فرماید: «كُلُّ رَايَةٍ تُرْفَعُ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ فَصَاحِبُهَا طَاغُوتٌ يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ! هر پرچمی که قبل از قیام قائم برافراشته شود صاحبش طاغوتی است که در برابر خدا مورد پرستش قرار می گیرد.»

---

۱. نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ترجمه محمدجواد غفاری، تهران: مکتبه صدوق، ۱۳۷۵، ص ۱۵۹، ب ۵، ج ۹.

۲. الحر العاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا، ج ۱۱، ص ۳۷.

به مقتضای دلالت این دو روایت تشکیل هر حکومت و قیامی قبل از ظهور امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ، مردود بوده و صاحب آن طاغوت شمرده شده است. زیرا در دو روایت لفظ «كُلَّ» دلالت بر عمومیت دارد و علاوه بر آن اضافه به «رایة» شده که نکره می باشد و این اضافه نیز افاده عموم می کند و همه قیام های قبل از ظهور را در بر می گیرد.

برخی با استناد به این روایات، اقدام برای تشکیل حکومت اسلامی و انقلاب اسلامی و برپایی نظام جمهوری را نادرست و کار اشتباهی دانسته اند و نهضت امام خمینی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ و انقلاب اسلامی را زیر سؤال برده و مشروع نمی دانند. در این نوشتار به بررسی این شبهه و پاسخ آن می پردازیم.

### پاسخ شبهه

صرف نظر از اشکال سندی که به عمده این روایات وارد است و در جای خود مورد بررسی قرار گرفته است<sup>۱</sup>، این روایات از نظر دلالت دارای اشکال های متعددی هستند.

۱. ر.ک: طبسی، نجم الدین، نهی از قیام در بوته نقد و تحلیل روایی، انتظار موعود، شماره ۵، ۱۳۸۱.

## اشکال به عمومیت این روایات

همانگونه که اشاره شد این دو روایت با ادات عموم (لفظ کُلّ) مطلق قیام‌های قبل از ظهور را نهی کرده است.

این عمومیت به چند دلیل قابل استناد نبوده و مورد اشکال است:

## الف. مخالفت با اصول قطعی اسلام

عمومیت نهی از قیام برای تشکیل حکومت با اصول قطعی اسلام و قرآن کریم در وجوب امر به معروف و نهی از منکر، مبارزه با فساد، جهاد، دفاع از حق، جلوگیری از ظلم، عمل به تکالیف سیاسی اجتماعی که نیازمند قیام و اقدام و در مواردی تشکیل حکومت است، مخالف می‌باشد و نمی‌توان به واسطه چند روایت دست از اصول قطعیه اسلام برداشت. اگر چنین عمومیتی را بپذیریم باید باب جهاد و دفاع و مقابله با ظلم و جور بسته شود و مسلمانان در عصر غیبت در برابر آن وظیفه‌ای نداشته باشند.

«ما دارای يك سلسله اصول مسلم در شریعت اسلامی هستیم که تخطی از آنها جایز نیست از جمله «امر به معروف و نهی از منکر» از امور مسلمی است

که هیچ‌گونه تردیدی در آن روا نیست، آیات و روایات فراوان با تأکید بسیار، روی این دو اصل مسلّم تکیه کرده است.

حال اگر در محیطی قرار بگیریم که احکام الهی پایمال شده، منکرات آشکار گشته، و معروف‌ها به فراموشی سپرده شده، و ظلم و فساد همه جا را فرا گرفته است و ما قادر هستیم که با يك قیام مؤثر نظام حکومت فاسد را بر هم زنیم و در مقیاس وسیعی منکرات را از میان ببریم و معروف را جانشین آن سازیم، آیا در چنین فرضی هیچ کس می‌تواند مدّعی شود که این کار حرام است؟ و باید نشست و تماشاچی صحنه‌های فساد پایمال شدن احکام اسلام و خروج جوانان مسلمان از دین و آیین بود؟!

ممکن است بهانه‌جویان بگویند چنین چیزی واقع نشده، ما می‌گوییم فرض کنید چنین امری رخ داد، این فرض که محال عقلی نیست، آیا باز هم در این فرض می‌گویید باید دست از هر اقدامی برداشت و تسلیم فراگیری فساد و ظلم و نابودی احکام اسلامی بود؟! گمان نمی‌کنیم هیچ عالم و محققى چنین چیزی بر زبان جاری کند!...

به فرض که روایات فوق تصریح کند که قبل از قیام مهدی هرگونه قیامی مایه گمراهی است، ما هرگز به خاطر خبر واحد یا چند خبر که در حکم خبر واحد است، نمی‌توانیم اصول مسلمة اسلام را که در قرآن و کلمات معصومین علیهم‌السلام است، کنار بگذاریم، بنابراین هر وقت مقدمات تشکیل حکومت اسلامی و برچیدن بساط ظلم و فساد و جنایت و بیدادگری فراهم گردد نباید در اقدام بر آن تردیدی به خود راه داد، و ادله امر به معروف و نهی از منکر، و اجرای حدود و اقامه عدل و داد را به عذر این‌که در چند خبر مشکوک از این کار نهی شده است نمی‌توان زیر پا نهاد!»<sup>۱</sup>

چگونه می‌توان بر مبنای چند روایت، آیات بسیاری از قرآن که پیرامون قیام و جهاد است را نادیده گرفت، که با تاکید، ما را به قیام در برابر ستمگران و دفاع از مظلومان فرا می‌خواند. به عنوان نمونه خداوند می‌فرماید: ﴿وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا﴾<sup>۲</sup>؛ چرا در راه خدا (و در راه) مردان و زنان و کودکانی که (به ست ستم گران)

۱. مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن؛ روش تازه ای در تفسیر موضوعی قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۷، ص ۵۸-۵۶.

۲. سوره نساء، آیه ۷۵.

تضعیف شده‌اند پیکار نمی‌کنید؟! همان افراد (ستم دیده‌ای) که می‌گویند: پروردگارا ما را از این شهر که اهلش ستم‌گردد بیرون ببر! و از طرف خود برای ما سرپرستی قرار ده، و از جانب خود یار و یآوری برای ما تعیین فرما».

قطعاً این آیات به عصر نزول قرآن اختصاص نداشته و شامل همه اعصار و عصر غیبت نیز خواهد شد.

بنابر این «اگر فرض کنیم روایتی یافت شود که به طور مطلق بگوید هر قیامی صورت بگیرد، محکوم به شکست و نادرست است، این روایت چون مخالف با خطوط اصلی قرآن و سنت قطعیه معصومین علیهم السلام است، مردود و غیر قابل پذیرش است، زیرا این همه آیات و روایاتی که مادر جهاد و امر به معروف و نهی از منکر و احیای کلمه دین و اقامه حدود الهی داریم و اینها مخصوص زمان خاصی نیست، نشان می‌دهد که جلوگیری از احیای دین، سخن نادرست و قابل پذیرش نیست. اگر در عصر غیبت، حکومت دینی نباشد، لازمه‌اش حاکمیت قوانین غیردینی و افراد ناصالح بر مردم مسلمان است که هیچ‌گاه خداوند و رسول اکرم صلی الله علیه و آله به چنین چیزی راضی نیستند.»<sup>۱</sup>

۱. جواد آملی، عبد الله، ولایت فقیه، ولایت فقهت و عدالت، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۵، ص ۳۷۴.

از آنجا که عمومیت این روایات در نفی هر قیامی قبل از ظهور، با اصول و مبانی دینی و روح قرآن سازگار نیست یا در زمره روایاتی قرار می‌گیرند که دستور به کنار گذاشتن آنها شده است و یا باید این روایات را حمل کنیم بر قیام‌هایی که با انگیزه‌های غیر اسلامی همراه هستند که در ادامه به آن اشاره خواهیم کرد.

### ب. تعارض با قیام‌های مورد تأیید ائمه اطهار علیهم‌السلام

عمومیت این روایات علاوه بر آنکه با اصول مسلم قرآنی و مبانی شریعت معارض است، با روایاتی نیز که برخی از قیام‌ها از سوی ائمه اطهار علیهم‌السلام مورد تأیید قرار گرفته است، مانند قیام مختار و قیام زید، معارض است. هر چند آن بزرگواران از فراهم نبودن زمینه و شرایط و همراهی نکردن مردم و نتیجه نداشتن آن آگاه بودند و به همین دلیل با آنها همراهی نکردند و سرانجام این قیام‌ها نشان داد که برخورد معصومین علیهم‌السلام با این قیام‌ها بسیار هوشمندانه و حکیمانه بوده است و ائمه اطهار علیهم‌السلام سرنوشت تشیع و اسلام ناب را به چنین قیام‌هایی گره زدند که موجودیت تشیع و اساس اسلام به خطر بیفتد. اما این قیام‌ها به دلیل اهداف صحیح آنها مورد تأیید و رضایت امام بودند.

امام باقر علیه السلام به حَکَم فرزند مختار فرمودند: «... أَوْلَمُ  
 بَيْنِ دُورِنَا وَقَتْلَ قَاتِلِينَا وَظَلَبَ بِدِمَائِنَا فَرِحَمَهُ اللَّهُ...  
 رَحِمَ اللَّهُ أَبَاكَ رَحِمَ اللَّهُ أَبَاكَ مَا تَرَكَ لَنَا حَقًّا عِنْدَ أَحَدٍ إِلَّا  
 طَلَبَهُ قَتْلَ قَتَلْتَنَا وَظَلَبَ بِدِمَائِنَا؛ آیا نه چنین است که  
 مختار خانه‌های ما را بنا کرد؟ و دشمنان ما را کشت؟  
 خون‌های ما را مطالبه نمود؟ خدا او را رحمت کند...  
 خدا پدرت را رحمت کند! خدا پدرت را بیامرزد که حق  
 ما را نزد احدی نگذاشت. قاتلین ما را کشت و برای ما  
 خونخواهی کرد.»

امام صادق علیه السلام در مورد زید فرمودند: «رحم الله عمی  
 زیداً لو ظفر لوفی انما دعا الی الرضا من آل محمد صلی الله علیه و آله  
 انا الرضا؛ خداوند عمویم زید را رحمت کند، اگر پیروز  
 می‌شد، به وعده خویش وفا می‌کرد، همانا وی مردم را  
 به رضای آل محمد صلی الله علیه و آله دعوت می‌کرد و منظور از رضا  
 من بودم.»

اگر عمومیت این روایات را بپذیریم، جایی برای  
 تمجید از این قیام‌ها و شخصیت‌هایی مانند مختار و  
 زید باقی نمی‌ماند. برخورد ائمه اطهار علیهم السلام با این گونه

۱. شیخ طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، قم: مؤسسه آل  
 البيت (علیهم السلام)، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۴۰.

۲. راوندی، قطب الدین، الخرائج والجرائح، قم: امام مهدی عجل الله تعالی فرجه، ۱۴۰۹ق، ج ۱،  
 ص ۲۸۱.



قیام‌های حق، نشانگر عدم عمومیت نهی از قیام قبل از ظهور به طور مطلق است.

### ج. تعارض با تأیید قیام‌هایی در عصر غیبت

صرف نظر از قیام‌های مورد تأیید ائمه اطهار علیهم‌السلام در زمان آن حضرات، چون ممکن است گفته شود که این قیام‌ها مربوط به زمان ائمه اطهار علیهم‌السلام بوده و منظور از این روایات، قیام‌های در دوره غیبت است.

قیام‌هایی که در دوره غیبت نیز شکل گرفته، مورد تأیید آن بزرگواران می‌باشد. به عنوان نمونه، امام کاظم علیه‌السلام فرمودند: «رجل من اهل قم يدعو الناس الى الحق يجتمع معه قوم كزبر الحديد، لاتزلهم الرياح العواصف، و لا يملون من الحرب، و لا يجبنون و على الله يتوكلون؛ مردی از اهل قم قیام می‌کند، مردم را به سوی حق دعوت می‌نماید، جمعیتی نیرومند که مانند پاره‌های آهن (سخت و استوار) هستند، به گرد او جمع می‌شوند که طوفان‌های حوادث آن‌ها را نمی‌لرزاند، و از جنگ با دشمن خسته نمی‌شوند، و ترس به آن‌ها راه ندارد، و توکلشان به خداست.»

۱. محدث قمی، عباس، سفینة البحار، تهران: فراهانی، ۱۴۰۲ق، ج ۲، ص ۴۴۶، (واژه قم).

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «يُخْرِجُ نَاسًا مِنَ الْمَشْرِقِ  
فِيوْطُونُ سُلْطَانَهُ؛ گروهی از ناحیه مشرق، قد  
برمی‌افرازند و زمینه حکومت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ را فراهم  
می‌سازند.»

گروهی از جوانان بنی‌هاشم خدمت پیامبر  
اکرم آمدند، هنگامی که پیامبر اسلام آنها را دیدند،  
چشمانش پر از اشک شد و رنگ مبارکشان دگرگون  
گشت، سؤال شد چرا در صورت مبارک شما آثار ناراحتی  
می‌بینیم، فرمودند: «إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ إِخْتَارَ اللَّهِ لَنَا الْآخِرَةَ  
عَلَى الدُّنْيَا، إِنَّ أَهْلَ بَيْتِي سَيَلْقَوْنَ بَعْدِي بَلَاءً وَ تَشْرِيداً  
وَ تَظْرِيداً حَتَّى يَأْتِيَ قَوْمٌ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ مَعَهُمْ رَايَاتُ  
سُودٍ فَيَسْأَلُونَ الْحَيَرَ فَلَا يُعْطَوْنَهُ فَيِقَاتِلُونَ فَيَنْصُرُونَ  
فَيُعْطُونَ مَا سَأَلُوا فَلَا يَقْبَلُونَهُ حَتَّى يَدْفَعُوهَا إِلَى رَجُلٍ  
مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَيَمْلَأُهَا قِسْطاً كَمَا مَلَأُوهَا جَوْرًا فَمَنْ  
أَدْرَكَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَلْيَأْتِهِمْ وَلَوْ حَبِوْا عَلَى الثَّلْجِ؛<sup>۱</sup> ما  
خاندانی هستیم که خداوند آخرت را برای ما بر دنیا  
برگزیده و خاندان من بعد از من با حوادث سخت  
و تبعید (و کنار زدن آنها از مقام‌هایشان) روبه‌رو

۱. ابن حیون، نعمان بن محمد، شرح الاخبار فی فضایل الائمه الاطهار، قم:

مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۳۶۵.

۲. ابن ماجه، قزوینی، سنن، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۱۳۶۶،

ج ۴۸۲.

می‌شوند تا این‌که گروهی از مشرق می‌آیند که با آنها پرچم‌های سیاه است، مطالبه نیکی می‌کنند (و خواهان حق و عدالت می‌شوند) اما به آنها نمی‌دهند، پس پیکار می‌کنند و یاری می‌شوند و پیروز می‌گردند و آنچه را می‌خواهند به آنها می‌دهند، ولی آنها پذیرا نمی‌شوند تا آن رابه‌کسی از اهل بیت من بسپارند، پس زمین را از عدالت پر می‌کند آن‌گونه که از ظلم پر شده است، هرکدام از شما آن زمان را درک کند باید به آنها پیوندد هرچند روی برف‌ها با سینه راه برود».

از ذیل روایت به خوبی استفاده می‌شود که این قیام در آستانه قیام مهدی و قبل از آن واقع می‌شود و زمینه‌ساز قیام آن حضرت خواهد بود و قیامی مشروع است.

امام باقر علیه السلام نیز می‌فرمایند: «کانی بقوم قد خرجوا بالمشرق، يطلبون الحق فلا يعطونه، ثم يطلبونه فلا يعطونه، فاذا راوا ذلك، وضعوا سيوفهم على عواتقهم فيعطون ما سألوا فلا يقبلونه حتى يقوموا، ولا يدفعاوا الا الى صاحبكم قتلاهم شهداء، اما انى لو ادركت ذلك لابقيت نفسى لصاحب الامر. گویی قومی را

۱. مجلسی، محمد باقر، ب حار الانوارالجامعه لدرراخبارالائمة الاطهار، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳، ج ۵۲، ص ۲۴۳.

می‌بینیم که از مشرق در طلب حق قیام کرده‌اند، ولی بدانان نمی‌دهند و باز مطالبه می‌کنند، ولی بدانها نمی‌دهند، پس چون چنین می‌بینند، شمشیرهای خویش را بر دوش می‌گیرند (آماده نبرد می‌شوند) پس در آن هنگام، آنچه را می‌خواهند به آنان می‌دهند، ولی نمی‌پذیرند تا اینکه پیروز می‌شوند و آن را جز به حضرت صاحب الامر عَلَيْهِ السَّلَامُ تسلیم نمی‌کنند. کشتگان آنان شهیدند. اگر من آنان را درک کنم، جانم را برای صاحب الامر می‌گذارم. با توجه به این روایات، نمی‌توان عمومیت نهی از مطلق قیام‌های قبل از ظهور را پذیرفت. اگر هر قیامی و تشکیل حکومتی قبل از ظهور مصداق طاغوت باشد، نباید ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَامُ برخی از قیام‌ها را مورد تمجید قرار می‌دادند.

بنابراین، با توجه به این موارد، نمی‌توان به عمومیت این روایات ملتزم شد و همه قیام‌های قبل از ظهور را غیرمشروع دانست.

همین که عمومیت و اطلاق این چند روایات خدشه‌دار شود، برای رفع این شبهه کافی بوده و دیگر نمی‌توان به این دسته از روایات استناد نمود.

## نهی از قیام‌هایی که مصداق طاغوت‌اند

در این دو روایت قید «طاغوت» به کار رفته است. طاغوت در لغت به معانی کاهن، شیطان، سردمدار ضلال و گمراهی، بت و هر آنچه به غیر خداوند متعال پرستش و عبادت قرار می‌گیرد، اطلاق می‌شود.<sup>۱</sup> شیخ طوسی در تعریف طاغوت می‌نویسد: «فکل من یعبد من دون الهه فهو طاغوت».<sup>۲</sup>

این قید بیانگر نیت و قصد نادرست این قیام‌هاست و اینکه مقصود از «پرچم برافراشته شده پیش از قیام قائم» پرچمی است که در مقابل خدا و اهل بیت برافراشته شود و قصد تأسیس مقامی برای خود باشد و در پی رسیدن به مقاصد خود باشد. از این رو چنانچه فرد متدین و صالحی با هدف احیا دین برای تشکیل حکومت الهی قیام و دعوت نماید، مورد خطاب این روایات نیست.

از نظر قواعد اصولی، وصف به تعلیل اشعار دارد و وصف طاغوت در این روایات بیانگر علت نهی از این قیام‌هاست و اینکه قیام‌هایی مورد نهی قرار گرفته و

۱. مجلسی، محمدباقر، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۰، ج ۲۶، ص ۳۲۵.

۲. طوسی، محمد بن الحسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: داراحیاء التراث العربی، بی تا، ج ۳، ص ۲۳۸.

صاحب آن طاغوت شمرده شده که با اهداف غیر الهی همراه باشد.

«مطابق مفاد حدیث، نهضت‌های غیردینی مردود است، اما اگر نهضتی به عنوان دفاع از دین و حاکمیت احکام و قوانین قرآن شکل گیرد، مردود نخواهد بود. زیرا در این صورت پرچمی در برابر پرچم دین، برافراشته نشده و رهبری چنین نهضتی طاغوت نیست بلکه ضد طاغوت است. چنین رهبری، مردم را به پرستش خویش دعوت نمی‌کند بلکه به اطاعت از پروردگار جهان، فرا می‌خواند. چنین پرچمی نه تنها در برابر پرچم قائم آل محمد قرار نگرفته، بلکه در مسیر حکومت جهانی آن جناب و زمینه‌ساز آن خواهد بود...»<sup>۱</sup>

به طور کلی دعوت بر دو گونه است؛ یک دعوت حق و دیگر دعوت باطل؛ دعوت حق دعوتی است که مردم را به سوی خداوند متعال و حاکمیت اهل بیت علیهم‌السلام طبق موازین شریعت فرا خوانده و دعوت نماید. دعوت برای از بین بردن باطل و درهم شکستن شوکت آن و اقامه حق و حقیقت و واگذار کردن آن به اهلش که این قیام‌ها

۱. امینی، ابراهیم، دادگستر جهان، قم: شفق، ۱۳۷۵ش، ص ۲۸۳.

مورد تأیید معصومین است. مانند قیام زید که مورد تمجید امام قرار گرفته است.

دعوت باطل؛ دعوتی است که با اهداف باطل همراه بوده و به دنبال مطرح کردن شخص در برابر ائمه اطهار علیهم السلام و برخلاف آموزه‌های دینی است.

روایات ناهی از قیام ناظر به این نوع دعوت هستند. مانند این روایت که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «لا یخرج القائم حتی یخرج قبله اثنا عشر من بنی هاشم کلهم یدعوا الی نفسه.<sup>۱</sup>؛ قائم قیام نمی‌کند تا زمانی که دوازده بنی‌هاشمی خروج کنند و مردم را به سوی خود فراخوانند.»

بنابراین قیام‌های زمینه‌ساز برای دولت و حکومت اهل بیت و دعوت مردم به سوی آنان تخصصاً از نهی این روایات خارج است و پرچم‌های برافراشته شده برای حق و دعوت به سوی حق مورد خطاب این روایات نیست. پرچمی که در مسیر دولت حق، زمینه‌ساز حضور معصوم نباشد، طاغوت است و صاحب آن در برابر خداوند متعال مورد پرستش واقع شده است.

۱. مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، موسسه ال البيت، قم، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۳۷۲.

مؤید این تقسیم، روایت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ در تأیید قیام زید است که می‌فرماید: «لاتقولوا: «خرج زید» فان زید كان عالما و كان صدوقا ولم يدعكم الى نفسه انما دعاكم الى الرضا من آل محمد و لو ظهر لوفى بما دعاكم انما خرج الى سلطان مجتمع لينقضه. قیام زید را به رخ نکشید، زیرا او مردی عالم راستگو بود و شما را به سوی خود دعوت نکرد بلکه به سوی آل محمد و رضایت آنان دعوت کرد. هر آینه اگر پیروز می‌شد به وعده خود وفا می‌کرد. او در برابر سلطنت و حکومتی قیام کرد که محکم و يك پارچه بود و می‌خواست ارکان آن را متلاشی کند.»

قطعا اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ از حرکت‌هایی که دعوت به سوی حق باشد و یا زمینه را برای حضور معصوم مهیا سازد راضی و خشنود و مشوق و پشتیبان آن هستند. «مسلم است این حدیث و مانند آن، نیز دلیل بر عدم تشکیل حکومت اسلامی نیست، بلکه می‌گوید، باید هدف تشکیل حکومت جلب رضا و خشنودی امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَامُ که جانشینان واقعی پیامبرند باشد، خود سرانه و بدون جلب رضایت و موافقت آنها دست به این کار نزنند! بنابراین هرگاه در عصر غیبت شرایط

۱. راوندی، قطب‌الدین، الخرائج و الجرائح، پیشین، ج ۱، ص ۲۸۱.



تشکیل حکومت اسلامی فراهم می‌گردد و یقین پیدا کنیم که حضرت مهدی راضی به تشکیل حکومت است و هدف از تشکیل حکومت است و هدف از تشکیل حکومت است و هدف از تشکیل آن چیزی جز احیای اسلام و قرآن و جلب رضا و خشنودی آل محمد نباشد، نه تنها مانعی برای تشکیل این حکومت وجود ندارد بلکه باید به سراغ آن رفت.»<sup>۱</sup>

### **تعارض این روایات با ضرورت تشکیل حکومت**

این روایات با حکم عقلی و عقلایی ضرورت تشکیل حکومت سازگار نیست. از نظر عقلی و در نزد عقلا، ضرورت وجود قانون برای ایجاد نظم و امنیت و جلوگیری از اختلاف و هرج و مرج قابل انکار نمی‌باشد. صرف وجود قانون هم کافی نبوده و نیاز به مجری قانون و حکومتی است که قانون را در جامعه اجرا نماید و الا قانون بدون اجرا و مجری اثری نخواهد داشت. قانون زمانی مفید و تأثیرگذار خواهد بود که به اجرا در بیاید. روشن است، حاکمی که می‌خواهد این قوانین را اجرا نماید از نظر عقلی و عقلایی به دلیل لزوم سنخیت حاکمیت و نوع حکومت، باید شناخت لازم نسبت به آن داشته و از قدرت و توانایی کافی برخوردار باشد

---

۱. مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن، پیشین، ج ۱۰، ص ۷۵.

و به منظور تحقق و اجرای کامل قانون و حفظ جامعه انسانی از هرگونه خطا و انحراف، باید مصون از اشتباه و انحراف باشد در غیر این صورت نقض غرض از هدایت لازم می‌آید و چنین حاکمی در زمان حضور تنها پیامبر و امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام می‌باشند که برخوردار از این ویژگی‌های والا می‌باشند و در زمان غیبت نیز که همان ضرورت‌های عصر ظهور باقی است، فقهای جامع الشرایط که برخوردار از فقاقت و آشنایی با مبانی اسلام و شایستگی‌های اخلاقی (تقوا و عدالت) و کارآیی در مسائل سیاسی و اجتماعی (کفایت) هستند به عنوان نزدیک‌ترین و بهترین گزینه به شرایط ایده‌آل، اداره جامعه اسلامی را بر عهده خواهند گرفت.

آیا می‌توان پذیرفت که اسلام برای عصر غیبت تا ظهور امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام، برنامه‌ای برای اجرای احکام خویش نداشته باشد؟ آیا دین در پی عدم حضور امام معصوم، تعطیل و عقاید آن پنهان و احکام و حدود آن، مهمل رها شده است؟ چنین نظریه‌ای به روشنی، نادرست و غیر عاقلانه است، زیرا تصور تعطیل طولانی دین در دوران غیبت، ناتوانی و ناکارآمدی احکام خدا برای اداره بشریت در همه دوران‌ها را به دنبال دارد و این امر هم با بدیهیات عقلی، ناسازگار است و هم با

مسلمات قرآنی و روایی. پس جامعه اسلامی تا دامنه قیامت، نیازمند امام معصومی است که در زمان حضور خویش به گونه‌ای و در زمان عدم حضور خویش به گونه دیگری، احکام و مقررات اسلام را اجرا نماید و این قافله را به سر منزل خود رهنمون سازد.

در زمان غیبت امام معصوم علیه السلام همه حقایق و اصولی که در عصر رسالت و امامت وجود داشت محفوظ است. آنچه در صدر اسلام بود، با همه خصوصیات آن تا ظهور حضرت حجت، مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشريف ماندگار است، بنابر این سعه ظرف زمان به تعطیل احکام یا نسخ تعالیم نخواهد انجامید، پس طولانی شدن غیبت امام زمان نباید باعث انزوای اسلام و در نتیجه سبب عزلت مسلمانان در صحنه بین الملل گردد؛ لازم است که تعالیم دین برای همیشه در میان مسلمانان، با عقاید و اخلاق و احکام فقهی و حقوقی آنان همراه باشد.

«حیات اجتماعی انسان و نیز کمال فردی و معنوی او، از سویی نیازمند قانون الهی در ابعاد فردی و اجتماعی است که مصون و محفوظ از ضعف و نقص و خطا و نسیان باشد و از سوی دیگر، نیازمند حکومتی دینی و حاکمی عالم و عادل است برای تحقق و اجرای آن قانون

کامل. حیات انسانی در بعد فردی و اجتماعی‌اش، بدون این دو و یا با یکی از این دو، متحقق نمی‌شود و فقدان آن دو، در بعد اجتماعی، سبب هرج و مرج و فساد و تباهی جامعه می‌شود که هیچ انسان خردمندی به آن رضا نمی‌دهد. این برهان که دلیلی عقلی است و مختص به زمین یا زمان خاصی نیست، هم شامل زمان انبیاء (علیهم‌السلام) می‌شود که نتیجه‌اش ضرورت نبوت است، و هم شامل زمان پس از نبوت رسول خاتم (صلی الله علیه و آله و سلم) است که ضرورت امامت را نتیجه می‌دهد، و هم ناظر به عصر غیبت امام معصوم است که حاصلش، ضرورت ولایت فقیه می‌باشد.»<sup>۱</sup>

نگاهی گذرا به احکام و تعالیم اسلام به خوبی بیانگر این نکته است که اسلام تنها به مسایل عبادی و فردی نپرداخته، بلکه در کنار آن به مسایل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، حقوقی، جزایی، نظامی و... نیز توجه شده است و اساساً مقتضای جامعیت و خاتمیت اسلام از یکسو و ابعاد فردی و اجتماعی زندگی انسان و نیازهای مادی و روحی او از سوی دیگر، ایجاب می‌کند که اسلام به همه ابعاد زندگی انسان توجه نموده و برای

۱. جواد آملی، عبدالله، ولایت فقیه؛ ولایت فقاہت و عدالت، پیشین، ص

آن برنامه مشخصی ارایه نموده باشد.

ماهیت و کیفیت قوانین اسلام می‌رساند که برای تکوین يك دولت و برای اداره سیاسی و اقتصادی و فرهنگی جامعه تشریح شده است، زیرا احکام شرع دربردارنده احکام و قوانین و مقررات متنوعی است که يك نظام کلی اجتماعی را می‌سازد. در این نظام حقوقی هرچه بشر نیاز دارد فراهم آمده است از روابط خانوادگی گرفته تا روابط اجتماعی و روابط میان کشورها و... و با تأمل در ماهیت و کیفیت احکام دین درمی‌یابیم که اجرای آنها و عمل به آنها مستلزم تشکیل حکومت است و بدون آن نمی‌توان به وظیفه اجرای احکام الهی عمل کرد.

همچنین احکام اسلام زمانمند نبوده و به زمان خاصی محدود نیست و ضرورت اجرای احکام اسلام، ضرورت لزوم تشکیل حکومت را به همراه دارد و تفاوتی میان عصر حضور معصوم و غیبت ایشان نیست، زیرا ضرورت باقی است و نیاز به قانون و حکومت برای انسان‌ها محدود به زمان و مکان خاصی نیست.

حضرت امام رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ فرمودند: «اینهایی که می‌گویند که هر عَلمی بلند بشود و هر حکومتی، خیال کردند

که هر حکومتی باشد، این برخلاف انتظار فرج است، اینها نمی‌فهمند چه دارند می‌گویند. اینها تزریق کردند بهشان که این حرف‌ها را بزنند، نمی‌دانند دارند چی چی می‌گویند، حکومت نبودن یعنی این که همه مردم به جان هم بریزند، بکشند همه را، از بین ببرند برخلاف نص آیات الهی رفتار بکنند، ما اگر فرض می‌کردیم دو بیست تا روایت هم در این باب داشتند، همه را به دیوار می‌زدیم؛<sup>۱</sup> برای اینکه خلاف آیات قرآن است. اگر هر روایتی بیاید که نهی از منکر را بگوید نباید کرد، این را باید به دیوار زد. این گونه روایت قابل عمل نیست.»<sup>۲</sup>

### نهی از قیام‌هایی با داعیه مهدویت

ممکن است این روایات ناظر به قیام‌هایی باشد که با داعیه مهدویت و امامت در عصر غیبت برپا می‌شده است.

«چون افرادی منحرف به نام مهدی موعود قیام کرده

۱. اشاره به روایاتی که اشاره دارد به اینکه اگر روایتی بر خلاف قرآن بود، را به دیوار بکوبید. به عنوان نمونه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودن: «اذا جائکم عنی حدیث فاعرضوه علی کتاب الله فما وافق کتاب الله فاقبلوه و ما خالفه فاضربوا به عرض الحائط؛ هرگاه حدیثی از من به شما برسد آن را بر کتاب خدا عرضه کنید، آنچه از آن موافق قرآن بود، بپذیرید و آنچه مخالف بود به دیوارش بکوبید.» (طوسی، محمد بن الحسن، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق، احمد قصیر عاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا، ج ۱، ص ۵).

۲. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۶.

و می‌خواستند از اعتقاد مسلمانان مخصوصاً شیعه سوءاستفاده کنند با توجه به این‌که مهدی موعود که برقرار کننده قسط و عدل جهانی و حکومت واحد الهی است فردی مشخص و فرزند امام حسن عسگری است و دارای ویژگی‌ها و علائم خاصی است که حتی به اسم و القاب و مادر و پدر و زمان تولدش نیز تصریح شده است و باز با توجه به این‌که ادعای مهدویت، در زمان حضرت باقر علیه السلام و حضرت صادق علیه السلام مورد سوءاستفاده‌های زیادی قرار می‌گرفت و پیش‌بینی هم می‌شد که قبل از تولد حضرت حجت عنه الله تعالی و آله و سلم و یا در زمان غیبت آن حضرت، این‌گونه سوءاستفاده‌ها انجام گیرد، لذا ائمه علیهم السلام فرمودند: هر کس با ادعای داشتن آن ویژگی‌ها که مخصوص قائم آل محمد عنه الله تعالی و آله و سلم است قیام کند، طاغوت است. بالاتر از این حتی در روایات آمده است که گاهی بعضی از اصحاب ائمه علیهم السلام پیشنهاد قیام و مبارزه مسلحانه را به آنان تحت همین عنوان «مهدویت» مطرح می‌کردند، ولی آن بزرگواران به شدت این فکر را رد کرده و می‌فرمودند: امامی که باید قیام کند و حکومت جهانی را تشکیل دهد ما نیستیم، بلکه از فرزندان ما بوده و هنوز هم وقت آن نشده است. مانند روایت معلی بن خنیس که امام درباره خواسته

آنان فرمود: «مَا أَنَا لِهَؤُلَاءِ بِإِمَامٍ أَمَا عَلِمُوا أَنَّ صَاحِبَهُمْ  
السُّفْيَانِيُّ؛ مَنْ إِمَامٌ أَنهَا نِيسْتَم مِگَر نَمی دَانند إِمَام أَنهَا  
سَفِیَانِی رَامی كَشَد.»

بنابراین منظور از طاغوت در این‌گونه روایات آن  
کسی است که به باطل و بدون حقی لباس مهدویت را  
در بر کرده و خود را به جای آن حضرت به مردم معرفی  
کند.<sup>۲</sup>

«از این روایات استفاده می‌شود که اگر کسی پیش از  
قیام قائم عَرَّاللَّهِ تَعَالَى  
فَرَجَهُ الشَّرِيعَ قیام کند و داعیه امامت داشته باشد و  
مردم را به خود دعوت کند، محکوم به شکست است.  
تنها کسی که به خود دعوت می‌کند و داعیه امامت دارد  
و موفق می‌شود، وجود مبارک حضرت بقیه الله (سلام  
الله علیه) است. علاوه بر اینکه اگر کسی قیام کند و  
امت را به خود دعوت نکند و داعیه امامت نداشته  
باشد، بلکه جامعه اسلامی را به امام زمان (عجل الله  
فرجه الشرف) دعوت کند، ولی شرایط قیامش مهیا  
نباشد، آن نیز محکوم به شکست است.»<sup>۳</sup>

۱. کلینی محمد بن یعقوب، الکافی، تهران دارالکتب الاسلامیه چهارم ۱۴۰۷ق،  
ج ۸، ص ۳۳۱، ح ۵۰۹.

۲. آذری قمی، احمد، رهبری و جنگ و صلح، تهران: رسالت ۱۳۶۶، ص ۲۰.

۳. جوادی آملی، عبد الله، ولایت فقیه، ولایت فقاها و عدالت، پیشین، ص  
۳۷۳.



لذا با توجه به این اشکال‌ها، نمی‌توان با استناد به این گونه روایات، هرگونه قیام و تشکیل حکومت را قبل از ظهور ولیعصر عَلَيْهِ السَّلَام به طور مطلق مردود دانست و براساس آن نهضت امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) و قیام مردم در مقابله با رژیم ستم شاهی و تحقق حاکمیت اسلام ناب را زیر سؤال برد. آن هم انقلابی که اسلام را در عصر حاضر احیا کرد. عصری که در آن دین افیون توده‌ها معرفی شده و تفکر سکولار با حاکمیت و سیطره خود، دین را از عرصه زندگی اجتماعی سیاسی بشر کنار نهاده بود.

### ضرورت زمینه‌سازی برای ظهور

عقل و منطق حکم می‌کند که هر انقلاب و نهضتی برای رسیدن به اهداف عالی خود، به مقدمات و آمادگی‌هایی نیاز دارد. انقلاب حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام، هم با ابعاد جهانی و تحول گسترده‌ای که به دنبال دارد، نمی‌تواند بدون زمینه‌سازی محقق شود و نیازمند مقدمات و آمادگی‌ها و زمینه‌سازی است و این حرکت عظیم و تحول جهانی به یکباره و بدون مقدمه اتفاق نخواهد افتاد. اگر هر نوع قیام و تلاش برای تشکیل حکومت مردود باشد، باید انتظار داشته باشیم ظهور بدون مقدمه و زمینه‌سازی محقق شود.

قطعاً برای تحقق حاکمیت جهانی اسلام ناب، لازم است، اصل حاکمیت اسلام ناب در سطح و گستره‌ای محدود تحقق پیدا کند تا مردم با مبانی دین در ابعاد سیاسی اجتماعی و الگوی حاکمیت اسلامی آشنا شوند. بی‌تردید برای همراهی با حکومت جهانی حضرت، نیاز به کسب آمادگی و تمرین است، تمرین ولایت‌پذیری و اطاعت از ولی امر، تمرین صبر و استقامت در برابر مشکلات، ایستادگی در برابر ستمگران، کسب معرفت و بصیرت دینی و سیاسی و... این تمرین عملی در قالب قیام و تشکیل حکومت اسلامی رقم خواهد خورد که مصداق آن انقلاب اسلامی است که موجب تبلور اسلام در سطح جهان شده است.

## جمع بندی

روایاتی که هرگونه قیام قبل از ظهور امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ را مصداق طاغوت و باطل می‌دانند با توجه به مخالفت با:

۱. اصول قطعی اسلام و اصول جهاد و امر به معروف و نهی از منکر؛

۲. تعارض با قیام‌های مورد تأیید ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مانند قیام مختار و زید؛

۳. تعارض با قیام‌هایی که در عصر غیبت از سوی ائمه معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ تأیید شده است؛

۴. تعارض با ضرورت عقلی و عقلایی تشکیل حکومت.

قابل استناد نیستند و نمی‌توان به دلیل این روایات دست از مبانی مسلم دینی و قرآنی و ضرورت عقلی و عقلایی تشکیل حکومت برداشت. بنابر این یا باید این روایات را به دلایل یاد شده کنار گذاشت و یا آنکه به قرینه روایاتی که برخی از قیام‌ها در آن مورد تأیید ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قرار گرفته است، این روایات را حمل کرد بر قیام‌هایی که به داعیه مهدویت انجام گرفته و یا دارای اهداف صحیح نبوده و مصداق طاغوت هستند.



# منابع

## قرآن کریم

۱. ابن حیون، نعمان بن محمد، شرح الاخبار فی فضائل الائمه الاطهار، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۹ق
۲. ابن ماجه، قزوینی، سنن، بیروت، دارالتعارف ۱۴۲۳ق.
۳. امام خمینی، سید روح الله، صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۹ش.
۴. امینی، ابراهیم، دادگستر جهان، قم، شفق، ۱۳۷۵ش.
۵. آذری قمی، احمد، رهبری و جنگ و صلح، تهران، رسالت ۱۳۶۶ش.
۶. جوادی آملی، عبد الله، ولایت فقیه، ولایت فقاہت و عدالت، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۵.

۷. الحر العاملي، محمد بن الحسن، وسایل الشيعه، بيروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۸. طبسی، نجم الدین، نهی از قیام در بوته نقد و تحلیل روایی، انتظار موعود، شماره ۵، ۱۳۸۱.
۹. طوسی، محمد بن الحسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۱۰. طوسی، محمد بن الحسن، (شیخ طوسی) تهذیب الاحکام، دارالکتب تهران ۱۴۰۷.
۱۱. کلینی محمد بن یعقوب، الکافی، تهران دارالکتب الاسلامیه چهارم ۱۴۰۷ ق.
۱۲. گروهی، معجم احادیث الامام المهدی، قم موسسه معارف اسلامیه، اول ۱۳۸۶.
۱۳. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، بیروت دار احیاء التراث العربی، دوم ۱۴۰۳.
۱۴. مجلسی، محمد باقر، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تهران دارالکتب الاسلامیه ۱۳۷۰ مستطرفات السرائر.
۱۵. مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، موسسه ال البيت، قم ۱۴۱۳.

۱۶. مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن، قم، مدرسه امیر المومنین، ۱۳۶۸ ش.
۱۷. نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ترجمه محمد جواد غفاری، تهران مکتبه صدوق، ۱۳۷۵.

## شماره‌های پیشین ردیه:

- ردیه شماره ۱: تزامم اختیارات رئیس جمهور و ولی فقیه.
- ردیه شماره ۲: عزاداری و بررسی روایات نهی از آن.
- ردیه شماره ۳. اتهام جواز خشونت با اسرار اسلام.
- ردیه شماره ۴. اسلام منهای روحانیت و روحانیت منهای سیاست.
- ردیه شماره ۵: مشروعیت مقاومت.
- ردیه شماره ۶: دو دولت برای فلسطین.